

<div><div> </div></div>	
<p>حاشیه‌ای بر انتشار خاطرات استاد محسن قرائتی از شهید آیت‌الله مطهری</p>	
<p>ناگفته‌هایی شنیدنی</p>	
<p>■ محمد موحدی نژاد</p>	
<p>«قرآ باسَم ربِّک الذی خلق الانسان من علق، اقرأ وربک الاکرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم یعلم»</p> <p>«بخوان به نام پروردگارت که اچهنیان را آفرید، انسان را از خون بسته سرشت، بخوان و پروردگارت کریم‌ترین است. همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست.»</p> <p>از افتخارات اسلام این است که اولین آیات کتابش، با قرائت و قلم آغاز شده و اولین فرمان خداوند به پیامبرش فرمان فرهنگی بود.</p> <p>نکته جالب توجه دیگر اینکه، آنجا که نظر به مسئله آفرینش انسان است، خداوند، خود را کریم خوانده: «ما غرک بریک الکریم، الذی خلقک» (انفطار ۶و۷) ولی آنجا که موضوع آموزش و تعلیم انسان مطرح است، خود را «اکرم» خوانده است: «اقرأ وربک الاکرم، الذی علم بالقلم.» در مکتب اسلام، آغاز تحصیل علم باید به نام خدا باشد: «اقرأ باسم ربک» و فارغ‌التحصیلان نیز باید در راه او قدم بردارند: «فإنما فرغت فانصب، و الی ربک فارغب» یعنی تعلیم و تعلم باید جهت الهی داشته باشد تا ارزش واقعی پیدا کند.</p> <p>اگر انسان به وحی الهی تربیت نشود، نه تنها رشد و تکامل انسانی و واقعی نخواهد کرد، بلکه همچون حیوانی درنده‌یاب‌نگار خواهد شد. در تربیت الهی انسان به جایی می‌رسد که جز خدا نبیند و ملائکه بر او سجده می‌کنند. پس تعلیم و تعلم از شئون الهی و شغل انبیاست، «یعلّمهم الکتاب و الحکمّه و یرزقهم» و هر انسانی با پذیرش این مسئولیت سنگین نام خویش را در قالب ووازه مقدس «معلم» ثبت می‌کند، باید علو و ایمان را بر سر روح و جان و ضمیرهای پاک حک کرده و ندای فطرت الهیی را به گوش همگان</p>	
<p>برسانند و سیاهی جهل و نادانی را از دل‌ها زدوده و آب حیات و زلال نادانی را در روان بشر جاری سازد.</p> <p>چنان‌به‌فرموده‌بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، معلم همیشه بر مدار ارزش‌ها و کرامت انسانی حرکت نموده و تلاش در راه مکتب و دین همت اساسی او بوده و به هیچ بیگانه‌ای مجال تهاجم و پیوند انسان را با هدف الهیی که ارزشی را نمی‌دهد. این مهم، در بیانات رهبر عزیز و فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای نیز تأکید شده است که: «چ‌و‌د ازرشدن معلم در نورش است یک ملت بسیار مؤثر بوده و با دست توانمای معلم است که چشم‌انداز با کرامت و عزت آینده ملت ترسیم می‌شود.</p> <p>شرافت و مرتب معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شأن خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان را با هدف جمعی خلق یعنی عبادت، برقرار سازد. لذا بحق می‌توان گفت که استاد شهید علامه مطهری(ره) یکی از عالمان ربانی و معلمان راستین در عرصه علم و دانش و تربیت بود که او‌لا بانگه‌ارت‌گویی به همه معارف بشری نظر می‌کرد و ثانیاً تمامی تلاش‌های علمی و عملی را مقدمه‌ای برای عبادت، عبودیت و اطاعت الهی می‌دانست و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل ساخت. او در سنگر توانمای و معلم و تنوير افکار، به قلعه‌های رفیع دست یافت، تا آنجا که معلم و معمار کبير انقلاب اسلامی در وصف او فرمود:</p> <p>مطهری پاره تن من بود و آثار قلم و زبان شهید مطهری بی‌استثنا آموزنده و روانبخش است و موعظه و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشئت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند است... من فرزند بسیار عزیزم را از دست دادم، مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزارای سوادمند برای ملت و کشور بود.</p> <p>و حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای می‌فرمایند: من خودم را شاگرد آقای مطهری می‌دانم... یکی از عناصری که بنینه فکر اسلامی من را پایه‌گذاری کرده است، سخنرانی‌های آقای مطهری است.</p> <p>ایجتناجب که سال‌هاست با استاد و مفسر قرآن جناب حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی مانوس و همراه هستم، بر آن شدم مجموعه خاطرات ایشان، درباره استاد شهید مطهری را از آثارشان استخراج و تنظیم نمودم و در اختیار فرهنگیان و معلمان و دانشجویان و سایر خوانندگان قرار دهم.</p> <p>امید است این اثر با لطف خداوند و توجهات حضرت ولی‌عصر(عج) مورد استفاده قرار گیرد.</p>	

■ **دکتر شهریار زرشناس**

تأکید بر بومی‌گرایی یا «بازگشت به خویش» در میان روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰، امری رایج به‌شمار می‌رفت. دلایل تاریخی این امر فراوان است، اما بی‌تردید فضای اجتماعی ایران در آستانه انقلاب اسلامی، از جمله دلایل آن به‌شمار می‌رود. داریوش شایگان – که این روزها از آغازین سال‌مرگ وی عبور می‌کنیم – در زمره روشنفکرانی است که این رویکرد را در کتاب «آسیا در برابر غرب» نشان داده است. در مقالی که پیش‌رو در شمایست، این تئوری یا نظر به تحولات تاریخی مورد بازخوانی انتقادی قرار گرفته است. امید آنکه مقبول افتد. ■ ■ ■

درباره آرای شایگان در کتاب «آسیا در برابر غرب» به‌ویژه آنچه باعنوان یک «راه‌حل آسیایی» یا تکیه بر «جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا» و ماهیت فرهنگ آسیایی» دنبال می‌کند، تأملات انتقادی و نکته‌های نقادانه‌ای وجود دارد که به برخی از اصلی‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

■ **توانایی در یافتن و ارائه بدیل نیهیلیسم**

شایگان در کتاب «آسیا در برابر غرب» بارها به نیست‌انگاری(نیهیلیسم) اشاره می‌کند، اما تعریف دقیق و روشنی از آن ارائه نمی‌دهد و تنها به نقل‌قول‌هایی از هایدگر، نیچه و رانوشینگ اکتفا می‌کند. نیهیلیسم در واقع نفی هدایت قدسی و ولایت الهی است. اساساً غرب تاریخش را با این انکار آغاز می‌کند و ادامه و بسط می‌دهد. راه نجات از بحران نیهیلیسم، اسلام یعنی تسلیم شدن به ولایت الهی است. بنابراین در برابر نیهیلیسم، جایگزینی جز دین حقیقی و کامل یعنی اسلام وجود ندارد. شایگان در این کتاب نیهیلیسم را تقدیر تفکر غربی می‌داند، اما به جوهر نیست‌انگاری یعنی نفی ولایت الهی اشاره نمی‌کند و بدیهی است که درک این نکته نیز برای او مبسر نیست که تنها جایگزین نجات‌بخش بشر از نیست‌انگاری، اسلام یعنی دین کامل است.

■ **هم‌گام‌سازی اسلام و شرک در مواجهه با نیهیلیسم!**

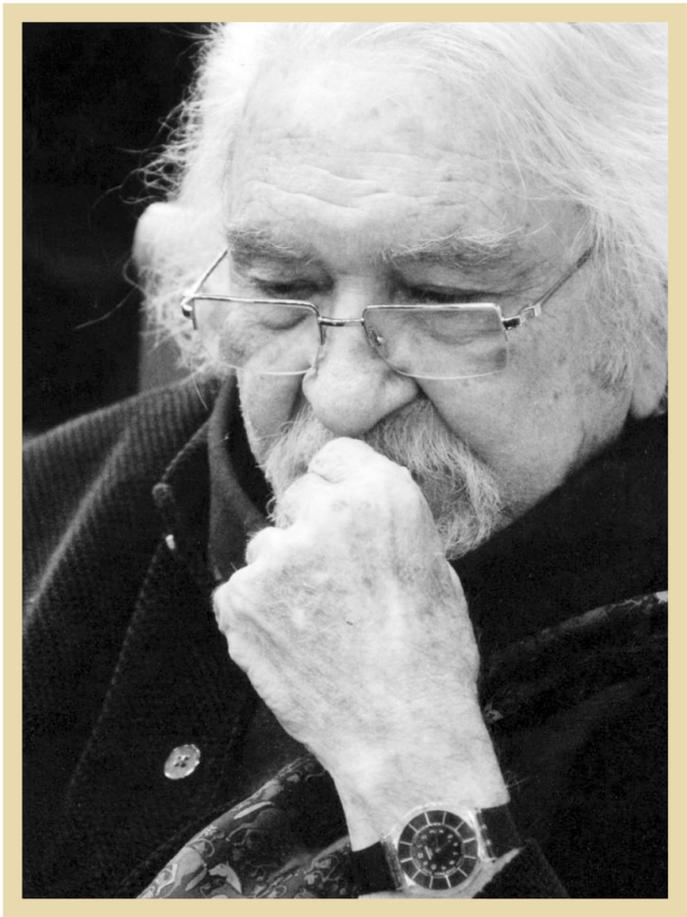
شایگان از قول نیچه، نیهیلیسم را «مهمان هولناک» می‌نامد و از این بابت که «این مهمان هولناک در آشیانه ما لانه کرده و نیمی از آسیا مقهور و مسحور آخرین حاصل نیهیلیسم غربی است» اظهار نگرانی^(۱) و به ضرورت تکیه بر جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا اشاره می‌کند و با اعتقاد به ماهیت فرهنگ آسیایی می‌گوید:

«شاید وقت آن فرا رسیده باشد که این تمدن‌ها آتمدن‌های آسیایی از تباطلی را که از مدت‌ها پیش برده‌اند، از سر گردانند و میراث فرهنگی خود را از نو ارزیابی کنند. میراثی که به‌سبب ارج والایی که به مقام انسانیت و آرمان‌های متعالی می‌بخشید، هنوز هم می‌تواند منشأ اثر باشد.»^(۲)

اما مفهوم جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا ملازم با نوعی مغالطه است. شایگان در باب تجربه معنوی آسیا یا اشاره به چهار تمدن ایران و اسلام، هند، ژاپن و چین، آنها را «چهار کانون بزرگ فرهنگ آسیایی»^(۳) می‌داند، اما متوجه نیست که هندوئیسم، بودیسم، میراث اوپانیشادها، آیین کنفوسیوس، تائو، دن بودیسم و شینتوئیسم، آیین‌های اسطوره‌ای و شرک‌الودند. به‌عنوان مثال، در آیین بودا اصلا مفهوم روشنی از خدا، نبوت و معاد وجود ندارد. در هندوئیسیسم عنصرهای نیرومند و غالب شرک حضور دارند و در آیین تائو و کنفوسیوس نیز سخنی از خدا به میان نمی‌آید. یکی‌کاسه کردن مجموعه‌ای

اندیشه

مکتب‌کو۶۹۸۴۹۸۸



نگره‌ای تاریخی – نظری بر آرای داریوش شایگان در «آسیا در برابر غرب»

ناتوانی مزمن در فهم رابطه اسلام و انقلاب

از آیین‌های شرک‌آلود اسطوره‌ای با دین اسلام و نام بردن از جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا و ماهیت فرهنگ آسیایی، نشان دهنده گرفتار شدن شایگان در جنبه نگرش اومانیستی مدرن به معنای دین است و او بر مبنای درک غیر قدسی و سکولاریستی از دین، آمیزه‌ای از کفر، شرک و توحید را بر مبنای معیارهایی صوری و سکولاریستی دین می‌نامد. شایگان با تعلق خاطر به اسطوره‌ها و عرفان اسطوره‌ای و با الهام از نگرش اومانیستی و با غفلت از تضاد ماهوی اسلام و کفر و شرک و عدم تجانس ذاتی آیین‌های شرک‌آلود و منسوخ اسطوره‌ای با بیش توحیدی اسلام، مفهومی سکولار و موهوم را تحت عنوان «جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا» مطرح می‌سازد و با تلاش زیادی که برای تبیین آن به خرج می‌دهد، این نکته را آشکار می‌سازد که حقیقتاً از درک تفاوت‌های ماهوی مفاهیم «راهی» و «ستگاری» در نظام‌های فکری مبتنی بر غربی و راهایی از اسارت تقدیر غربی مطرح کرد، در تعریف او به‌عنوان راه‌حل آسیایی نمی‌گنجید؟ همان‌که به‌روشنی مصداق این سخن شایگان می‌تواند باشد:

■ **توسینده و انقلاب معنویت‌گرا**

شایگان که مدعی تلاش برای یافتن «راه‌حلی آسیایی» است، چرا پس از پیروزی انقلاب بر راه امام پشت کرد؟ الگویی که امام مبتنی بر بازشناسی هویت اصیل اسلامی و بازبایی میراث دینی و معنوی برای عبور از آسیب‌های فکری مدرن و روشنفکر غربی و راهایی از اسارت تقدیر غربی مطرح کرد، در تعریف او به‌عنوان راه‌حل آسیایی نمی‌گنجید؟ همان‌که به‌روشنی مصداق این سخن شایگان می‌تواند باشد:

«میراثی که به‌سبب ارج والایی که به مقام انسانیت و آرمان‌های متعالی می‌بخشید، هنوز هم می‌تواند منشأ اثر شود.» «بدیهی است که علت مخالفت شایگان با انقلاب اسلامی و اندیشه امام همانا جوهر سکولاریستی جهان‌بینی و بی‌اعتقادی او به دیانت و شرعت برای عبور از آسیب‌های فکری مدرن و روشنفکر کتاب‌های «بت‌های ذهنی و خاطر ازلی» و «آسیا در برابر غرب» و نه پس از آن و به هنگام ننگارش کتاب‌های دیگرش چون: «تصویر شکسته» و «انقلاب دینی چیست؟»، هیچ‌گاه یک اندیشمند مذهبی نبوده است. شایگان یک روشنفکر سکولاریست و در کتاب «آسیا در برابر غرب» مبلغ نوعی معنویت منسوخ منفعل سکولار دل‌تنگ برای گذشته بوده است و بعدها نیز با غفلت کمتری همان طریق را دنبال کرد. جان کلام شایگان در «آسیا در برابر غرب» در نهایت چیزی جز مطرح کردن یک معنویت غیر اجتماعی و غیر سیاسی منفعل و سکولاریستی در برابر هجوم غرب مدرن نبوده است؛ معنویتي که هرگز منشأ تغییر و تحول جدی، عمیق و رادیکالی در جامعه ایران و جوامع آسیایی نبوده و هیچ تهدیدی برای نظام جهانی کفر و ظلم اومانیستی محسوب نشده است، بلکه فریب و سوایب اطمینانی برای حاکمان وابسته به نظام جهانی است. شایگان در این کتاب نگرارش کتاب‌های دیگرش

کتاب‌های «بت‌های ذهنی و خاطر ازلی» و «آسیا در برابر غرب» و «انقلاب دینی چیست؟»، هیچ‌گاه یک اندیشمند مذهبی نبوده است. شایگان یک روشنفکر سکولاریست و در کتاب «آسیا در برابر غرب» مبلغ نوعی معنویت منسوخ منفعل سکولار دل‌تنگ برای گذشته بوده است و بعدها نیز با غفلت کمتری همان طریق را دنبال کرد. جان کلام شایگان در «آسیا در برابر غرب» در نهایت چیزی جز مطرح کردن یک معنویت غیر اجتماعی و غیر سیاسی منفعل و سکولاریستی در برابر هجوم غرب مدرن نبوده است؛ معنویتي که هرگز منشأ تغییر و تحول جدی، عمیق و رادیکالی در جامعه ایران و جوامع آسیایی نبوده و هیچ تهدیدی برای نظام جهانی کفر و ظلم اومانیستی محسوب نشده است، بلکه فریب و سوایب اطمینانی برای حاکمان وابسته به نظام جهانی است. شایگان در این کتاب نگرارش کتاب‌های دیگرش

کتاب «آسیا در برابر غرب» اگر چه از برخی جهات دارای آموزه‌ها و درون‌مایه‌های خوبی است که عمده آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برگرفته از افکار و آموزه‌های دکتر فرید است، اما در کل، اثری است سر در گم که مبلغ مفهومی موهوم در خصوص «راه‌حل آسیایی» و «جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا»ست و به کار کلیت نظام جهانی سلطه استکباری و مدیران و طراحان برنامه‌های فرهنگی فراماسونری برای برون‌ریزی و در عین حال خنثی‌سازی اثر ژوی‌ها و تمایلات دینی و معنوی ضدمدرنیستی مخاطبان در مسیر اغراض مدرنیستی و تحکیم سیطره سلطه حاکمان پنهان جهانی و رژیم‌های همسو با آن می‌آید. هر چند شایگان پس از این کتاب، مواضع مدرنیستی و نئولیبرالیستی صریح‌تر و شددیدتری گرفت و بیش از پیش در مدار ترویج مشهورات آن مستحیل شد.

■ **داوری‌های بعدی نویسنده درباره آسیا در برابر غرب**

شایگان در گفت‌وگویی درباره کتاب «آسیا در برابر غرب» و نیز نسبت آن با آثار بعدی‌اش (مثل «انقلاب دینی چیست؟» و «نگاه شکسته») چنین می‌گوید:

«آسیا در برابر غرب» آ کتاب عامی است. همانطور که گفتم یک قسمتش کر تریک غرب‌زدگی و دفاع از غرب است و یک قسمت دیگرش نوستالژی و دفاع از ارزش‌های شرق است و آخرش هم مقایسه است. کتابی است که خیلی شلوغ است و رگه‌های مختلفی در این کتاب هست.

اُپ‌ریشگر اُ. بعد از این هم یک امتدادی در کتاب‌های شما به چشم می‌خورد؛ مثلاً انقلاب دینی چیست و نگاه شکسته، یعنی ذهنیت شما نسبت به سنت

و نسبت به غرب شفاف‌تر شده است؟

آشایگان اُ. بله، قسمت آخر آن کتاب که فصلی دارد به اسم تاریک‌اندیشی

جدید، کتاب‌های بعدی از آنجا شروع می‌شود.

اُپ‌ریشگر اُ. ایده شما در تاریک‌اندیشی چه بوده است؟ وقتی از تاریک‌اندیشی

گذر می‌کنید، چون طرح آن ایده هم‌زمان بوده با تاریک‌اندیشی که در اجتماع

پیدا می‌شود، یعنی یک نوع بازگشتن به سنت‌ها یا بنیادگرایی؟

آشایگان اُ. بله، همان زمانی که من این کتاب را می‌نوشتم متوجه شدم که ضمن اینکه من این حرف‌ها را می‌زنم، یک خطری هم در کمین است و آن اینکه ما بر می‌گردیم به هویت خودمان و می‌رویم در لاک خودمان و از دنیا منزوی می‌شویم و تاریک‌اندیشی جدید. در تاریک‌اندیشی جدید همه آن چیزهایی را که نوشته‌ام، همه را قبول دارم.»

اُپ‌ریشگر اُ. ایده‌هایی را که اینجا مطرح کردید در نوشته‌های جدیدتان

مثل نگاه شکسته و انقلاب مذهبی هم هست، اما یک جابه‌جایی معرفتی

هم انجام داده‌اید؟

آشایگان اُ. بله، شما همیشه یک حرفی را که بیشتر نمی‌زدید. ایده‌ها رفته رفته در ذهن‌تان روشن‌تر می‌شوند، جا می‌افتند، بعد تطایف می‌شوند و مصداق پیدا می‌کنند. در آن هم خیلی از ایده‌ها خام هستند. در کتاب‌های بعدی، «انقلاب مذهبی چیست»، خیلی روشن‌تر است در «سکیزورفنی فرهنگی» (نگاه شکسته) و روشن‌تر است و آخرش هم کتاب‌های آخری که هنوز چاپ نشده‌اند، داستان دیگری است.»^(۴)

شایگان در جایی دیگر درباره «آسیا در برابر غرب» می‌گوید:

«این همه، در نتیجه‌گیری کتاب، درون‌مایه‌ای بیش‌بینانه را بسط داده‌ام؛

تاریک‌اندیشی جدید! این فصل نقطه آغاز کتاب‌های بعدی‌ام بود. من در این فصل توضیح داده‌ام که هر گونه بازگشتی به گذشته (سیر قهقرایی) بدون بازسنجی انتقادی از گذشته سخت خطرناک است و ممکن است به لغزش منجر شود. کتاب دو سال پیش از انقلاب نوشته شده است، اما من امروز هم بخش عظیمی از آن را تصدیق می‌کنم.»^(۵)

همانگونه که از سخنان خود شایگان نیز بر می‌آید، کتاب «انقلاب مذهبی چیست؟» به نوعی دنباله و صورت بسط یافته فصل تاریک‌اندیشی جدید است و خود فصل تاریک‌اندیشی جدید را می‌توان تا حدود زیادی، تجوی اعراض از برخی جهت‌گیری‌های ضد مدرن «آسیا در برابر غرب» دانست.»^(۶)

■ **عبور از «آسیا در برابر غرب» به «انقلاب مذهبی چیست؟»**

داریوش شایگان مدتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به خارج از کشور

می‌رود و در سال ۱۹۸۲، کتاب «انقلاب مذهبی چیست؟» را منتشر می‌کند.

شایگان در این کتاب، غرب‌ستیزی اسلامی را نوعی تاریک‌اندیشی جدید می‌نامدوی در «انقلاب مذهبی چیست؟» اگر چه برخی تمایلات منتقدانه نسبت به برخی وجوه مدرنیته را همچنان حفظ کرده است، اما کانون توجه خود را بر نقد آنچه «ایدئولوژیک کردن سنت» نامیده، قرار می‌دهد. شایگان در این کتاب مدعی شده که «انقلاب» و «اسلام» هیچ خوشاوندی هستی‌شناختی‌ای با هم ندارند» و «انقلاب» را مفهومی ذاتاً غربی و هگلی می‌داند که نسبتی با تفکر دینی ندارد. از این منظر این اصطلاح را مورد نقادی قرار می‌دهد. شایگان اصطلاح انقلاب اسلامی را تجسم «ایدئولوژیک شدن سنت» می‌داند و نکاتی را عنوان می‌کند که بسیار قابل نقد است و در مجموع در این جهت نوان شده است که به‌جنوی اصالت و حقیقت انقلاب اسلامی را مورد انتقاد قرار داده و ریشه داشتن مفهوم انقلاب در تفکر اسلامی و ماهیت اصیل انقلاب اسلامی را انکار نماید.

از مجموع آنچه از کتاب «انقلاب مذهبی چیست؟» می‌توان فهمید، می‌توان

گزاره‌های ذیل را استخراج و استنباط کرد:

۱- علم دستگاهی است دقیق، بی‌طرف، مبتنی بر تجربه، در برابر ایدئولوژی

بر در گم نباشد شده است و برایش اهمیتی ندارد که پیش‌فرض‌ها و مقدماتش

دارای تجربه‌اند یا نه.

۲- شایگان، ایدئولوژی را به دلیل داشتن به تعبیر او «بینش مانوی درباره تاریخ» مورد انتقاد قرار می‌دهد. جوهر آنچه شایگان به عنوان «بینش مانوی درباره تاریخ» مورد نقد قرار می‌دهد، قائل بودن به مبارزه میان خیر و شر است.

۳- شایگان، اصطلاح «انقلاب اسلامی» را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که «انقلاب» اصطلاحی است که به کپشکان فلسفه غربی تعلق دارد، حال آن که اسلام به تعبیر او «در بیرون از دایره نگرانی‌های تاریخ حرکت می‌کند و به ارزش‌هایی سرمدی (ازلی ابدی) معتقد است»، از این رو شایگان مدعی است که «این دو اصطلاح باین دو جهان انقلاب و اسلام هیچ خوشاوندی هستی‌شناختی‌ای با هم ندارند» و ظهور انقلاب اسلامی (و به قول او «بنیادگرایی») در واقع این اصطلاح و آنچه را که شایگان «تاریک‌اندیشی جدید» می‌نامد، نتیجه «ایدئولوژیک شدن سنت‌ها» می‌داند و مورد نقد قرار می‌دهد. گویانکه اساساً در اسلام مفهوم نهضت و شوریدن بر ظلم و بی‌عدالتی وجود ندارد و آنچه در این زمینه روی می‌دهد، لامحاله باید به مفهوم هگلی انقلاب باشد!

■ **پی‌نوشت‌ها در روزنامه موجود است.**

روحیه ایدئولوژیک وجود داشته است.

آشایگان اُ. بله، در آن رگه‌های خردستیزی هست، این کتاب، کتاب شلوغی است، برای اینکه یک قسمت این کتاب کر تریک است، ولی وقتی غرب‌زدگی مطرح می‌شود، با آرای آل‌احمد خیلی فرق دارد.»^(۷)

شایگان در فصل هفتم کتاب «آسیا در برابر غرب» (بخش پایانی کتاب) مبحثی را تحت عنوان «تاریک‌اندیشی جدید» مطرح می‌کند. این بخش از کتاب از جهاتی رده‌ای است بر آنچه شایگان در فصول قبلی کتابش در خصوص «راه‌حل آسیایی» و نظایر آن گفته بود و به‌روشنی نشان می‌دهد که شایگان زمانی که تحت تأثیر آموزه‌های فرید و فضای ضد غربی دهه ۵۰، بر برخی انتقادات را آن هم مبتنی بر مفهوم موهوم و سسترون «معنویت آسیایی» در نقد نیهیلیسم غربی می‌نویسد، باز هم به علت تعلق خاطر عمیق سکولاریستی، گرفتار تزلزل می‌شود و به نفی آنچه در این خصوص گفته است، می‌پردازد. شایگان بیش از دو دهه بعد ضمن انتقاداتی که بر برخی مضامین ضد غرب‌زدگی کتاب «آسیا در برابر غرب»، مطرح می‌کند، به تأیید محتوای فصل تاریک‌اندیشی جدید می‌پردازد.»^(۸)

کتاب «آسیا در برابر غرب» اگر چه از برخی جهات دارای آموزه‌ها و درون‌مایه‌های خوبی است که عمده آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برگرفته از افکار و آموزه‌های دکتر فرید است، اما در کل، اثری است سر در گم که مبلغ مفهومی موهوم در خصوص «راه‌حل آسیایی» و «جوهر مشترک تجربه معنوی آسیا»ست و به کار کلیت نظام جهانی سلطه استکباری و مدیران و طراحان برنامه‌های فرهنگی فراماسونری برای برون‌ریزی و در عین حال خنثی‌سازی اثر ژوی‌ها و تمایلات دینی و معنوی ضدمدرنیستی مخاطبان در مسیر اغراض مدرنیستی و تحکیم سیطره سلطه حاکمان پنهان جهانی و رژیم‌های همسو با آن می‌آید. هر چند شایگان پس از این کتاب، مواضع مدرنیستی و نئولیبرالیستی صریح‌تر و شددیدتری گرفت و بیش از پیش در مدار ترویج مشهورات آن مستحیل شد.

■ **داوری‌های بعدی نویسنده درباره آسیا در برابر غرب**

شایگان در گفت‌وگویی درباره کتاب «آسیا در برابر غرب» و نیز نسبت آن

با آثار بعدی‌اش (مثل «انقلاب دینی چیست؟» و «نگاه شکسته») چنین

می‌گوید:

«آسیا در برابر غرب» آ کتاب عامی است. همانطور که گفتم یک قسمتش کر تریک غرب‌زدگی و دفاع از غرب است و یک قسمت دیگرش نوستالژی و دفاع از ارزش‌های شرق است و آخرش هم مقایسه است. کتابی است که خیلی شلوغ است و رگه‌های مختلفی در این کتاب هست.

اُپ‌ریشگر اُ. بعد از این هم یک امتدادی در کتاب‌های شما به چشم می‌خورد؛ مثلاً انقلاب دینی چیست و نگاه شکسته، یعنی ذهنیت شما نسبت به سنت

و نسبت به غرب شفاف‌تر شده است؟

آشایگان اُ. بله، قسمت آخر آن کتاب که فصلی دارد به اسم تاریک‌اندیشی

جدید، کتاب‌های بعدی از آنجا شروع می‌شود.

اُپ‌ریشگر اُ. ایده شما در تاریک‌اندیشی چه بوده است؟ وقتی از تاریک‌اندیشی

گذر می‌کنید، چون طرح آن ایده هم‌زمان بوده با تاریک‌اندیشی که در اجتماع

پیدا می‌شود، یعنی یک نوع بازگشتن به سنت‌ها یا بنیادگرایی؟

آشایگان اُ. بله، همان زمانی که من این کتاب را می‌نوشتم متوجه شدم که

ضمن اینکه من این حرف‌ها را می‌زنم، یک خطری هم در کمین است و آن

اینکه ما بر می‌گردیم به هویت خودمان و می‌رویم در لاک خودمان و از دنیا منزوی می‌شویم و تاریک‌اندیشی جدید. در تاریک‌اندیشی جدید همه آن چیزهایی را که نوشته‌ام، همه را قبول دارم.»

اُپ‌ریشگر اُ. ایده‌هایی را که اینجا مطرح کردید در نوشته‌های جدیدتان

مثل نگاه شکسته و انقلاب مذهبی هم هست، اما یک جابه‌جایی معرفتی

هم انجام داده‌اید؟

آشایگان اُ. بله، شما همیشه یک حرفی را که بیشتر نمی‌زدید. ایده‌ها رفته رفته در ذهن‌تان روشن‌تر می‌شوند، جا می‌افتند، بعد تطایف می‌شوند و مصداق پیدا می‌کنند. در آن هم خیلی از ایده‌ها خام هستند. در کتاب‌های بعدی، «انقلاب مذهبی چیست»، خیلی روشن‌تر است در «سکیزورفنی فرهنگی» (نگاه شکسته) و روشن‌تر است و آخرش هم کتاب‌های آخری که هنوز چاپ نشده‌اند، داستان دیگری است.»^(۹)

شایگان در جایی دیگر درباره «آسیا در برابر غرب» می‌گوید: